

## جنبش طبقه کارگر و دموکراسی



(خلاصه شده از کتاب سوسیالیسم، اقتصاد و سیاست)

شالوده زندگی و شیرازه موجودیت انسانهاست یعنی هنگامی که نظام اقتصادی، سرمایه‌داری است، ساختارهای اجتماعی از جمله دموکراسی، ملزومات تولید و رشد و توسعه سرمایه را بازتاب می‌دهند. دموکراسی تجسم نوعی نظم اجتماعی و سیاسی سرمایه‌داری است.

گفتگوی دموکراسی با "حکومت مردم" آغاز می‌شود. دموکراسی، واژه مردم را از لغت نامه سرمایه‌داری استخراج می‌کند. همه مردمند. صاحبان بزرگ‌ترین مؤسسات مالی و صنعتی مردمند. آلودنک‌نشینان هم مردمند. صدها میلیون انسان اسیر گرسنگی مردمند، حکومتگران و مدیران با سطح زندگی افسانه‌ای نیز مردمند. طرفداران دموکراسی با شدت تمام بر "اراده مردم" بعنوان منبع قدرت در تعیین نظام اجتماعی و چند و چون خود دموکراسی تاکید می‌کنند. در اینجا اساس بر این است که "مردم"

دموکراسی نوع معینی از نظم سیاسی، مدنی، حکومتی و اجتماعی است. آزادی مالکیت خصوصی، تساوی آدم‌ها در مقابل قانون، انتخابات آزاد و حق رأی عمومی، آزادی بیان و تشکیلات، فاکتورهای عمده دموکراسی به شمار می‌آیند. اگر بخواهیم مضمون هر یک از این موضوعات را به درستی بررسی کنیم باید بینیم که نظام اقتصادی مسلط، این قراردادها یا قالب‌های حقوقی و قانونی را با چه محتوای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پُر کرده است. بحث درباره دموکراسی بدون آغاز از مناسبات اقتصادی و شرایط کار و زیست انسان‌ها، بحثی بی پایه و بسیار گمراه کننده است. این دموکراسی، مدنیت، حقوق انسانی و ساختار سیاسی نیست که مناسبات اقتصادی و شیوه تولید جامعه را با خود منطبق می‌کند، برعکس دومی است که اولی را تعیین می‌نماید. زمانی که خرید و فروش نیروی کار،

مستقل از جریان واقعی زندگی و کار و مکان اجتماعی‌شان می‌توانند بر سر نوعی نظم مدنی، سیاسی در جامعه به توافق برسند!! زیرا که همه از حق "رأی" برخوردارند!! و هر کدام به اعتبار همین رأی می‌توانند در عزل و نصب دولت‌ها و تعیین سرنوشت خود دخالت نمایند!! انتخابات آزاد و حق رأی عمومی در تعبیر واقعی خود یعنی پذیرش قانونی و آزادانه کار مزدی، یعنی تمکین مردم کارگر و فرودست به سیادت طبقه سرمایه‌دار، یعنی این که کارگران هر چند وقت یک بار در پاسخ به فراخوان حکام سرمایه بسیار آزادانه!! و داوطلبانه!! در مبارزه تقسیم قدرت میان احزاب شرکت نمایند. بسیار دموکراتیک و بدون هیچ تقلب انتخاباتی با رأی آزاد خود به نمایندگان سیاسی سرمایه اجازه دهند تا نظم تولیدی و سیاسی سرمایه‌داری را برنامه‌ریزی کنند. خرید هر چه ارزان و ارزان‌تر نیروی کار را با هم توافق کنند و سود افزون و افزون‌تر سرمایه را تضمین نمایند. به مدافعان سرمایه‌داری حق دهند که کار بی‌اجرت و پرداخت نشده کارگران را هر چه غول‌آس‌تر سازند و کار لازم یا با اجرت آن‌ها را هر چه حقیرتر و نحیف‌تر کنند. بخش عظیمی از محصول کار کارگران را صرف ایجاد ارتش و زندان و بیدادگاه نمایند و به کمک همین ابزار وحشت و سرکوب از نظم سرمایه و از حقوق دموکراتیک شهروندان دفاع کنند!! به سرمایه اجتماعی هر جامعه و به کل سرمایه جهانی اجازه دهند محصول کار کارگران و فروشندگان نیروی

کار را انواع سلاح‌های کشتار جمعی سازند و دنیا را بر سر کارگران خراب کنند. فردای انتخابات آزاد و قانونی، کارگران ناگزیرند که برای حفظ حداقل دستمزدشان یا برای حراست از همان به اصطلاح آزادی‌های سیاسی موجود دروغین!! در مقابل همان نمایندگانی که با رأی آزاد و برابر و دموکراتیک این کارگران انتخاب شده‌اند، به جنگ و ستیز برخیزند!! جنگ و ستیز نابرابری که در یک سوی آن همان نمایندگان قانونی، پارلمان دموکراتیک همراه با ارتش و پلیس و زندان‌ها و بیدادگاه‌هایشان صف کشیده‌اند و در سوی دیگر توده انبوه کارگری که بسیار دموکراتیک و آزادانه کل قدرت پیکار طبقاتی خود را در گورستان دموکراسی دفن نموده و نماد بی‌قدرتی و استیصال شده‌اند!!

دموکراسی حتی در بهترین تعبیرات تاکنونی‌اش، سوای تکرار کمیک و تراژیک این بازی سیاسی ضد کارگری و ضد انسانی هیچ چیز دیگری نبوده و نیست. اراده مردم در نظام مزد بگیری اساساً وجود خارجی و زمینی ندارد. استثمار شونده و استثمارگر، انسانهای برابر و هم‌حقوقی نیستند که به اعتبار رأی مساوی در یک انتخابات آزاد، سرنوشت مشترکی برای خود برگزینند!! در چهارچوب پذیرش سرمایه‌داری هیچ امکانی برای هیچ نوع دخالتگری مزدبگیران و توده‌های فرودست جامعه در امور اجتماعی متصور نیست. آن چه دموکراسی بر آن بنا شده است نه "اراده مردم" که دقیقاً "اراده سرمایه" علیه کارگران است.

دموکراسی به کارگر القا می‌کند که گویا تو حق اعتراض و انتقاد و جدال علیه این وضعیت، علیه شدت استثمار، بی‌حقوقی‌ها یا کل موقعیت اجتماعی خود را داری! این یکی از رسواترین دروغ‌های دموکراسی است. در منظر دموکراسی هر اعتراض کارگران که خارج از مدار نظم و "قانون" سرمایه صورت گیرد "وحشیگری" و "خشونت" نام می‌گیرد. دموکراسی با ژست دروغین آزادیخواهی از یک سو تسلط سرمایه علیه توده‌های فروشنده نیروی کار را حق مطلق اعلام می‌دارد و از سوی دیگر هر نوع اعتراض و مبارزه ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر را عین جنایت، توحش و خشونت می‌خواند و مستوجب بدترین مجازات‌ها می‌داند. دموکراسی حق اعتصاب در چهارچوب پذیرش سرمایه را می‌پذیرد تا حق اعتصاب کارگر علیه سرمایه‌داری را خفه سازد و در هم کوبد. انتخابات برگزار می‌کند تا حق اعمال اراده آزاد ضد سرمایه‌داری را از توده کارگر ساقط سازد. حق تحزب عطا می‌نماید تا حق سازمانیابی شورائی سرمایه ستیز را از کارگران بگیرد. به پاسداری قانونیت می‌پردازد تا هر نوع نقض حریم استثمار و قدرت سرمایه را "ضد قانونی" و مستوجب مجازات اعلام کند. امنیت اجتماعی نسخه پیچی دموکراسی امنیت سرمایه و رفع خطر جنبش طبقه کارگر از سر سرمایه است.

دموکراسی به کارگران می‌گوید که از طریق احزاب و سندیکاها می‌توانند بر صاحبان سرمایه فشار آرند و مطالبات معیشتی و رفاهی خود را بر

آنها تحمیل نمایند! می‌توانند با اعزام نمایندگان خود به پارلمان، قوانین جاری و حاکم بر جامعه را به نفع خود تغییر دهند! حتی می‌توانند به اکثریت در پارلمان بدل گردند و نقش مسلط را در برنامه‌ریزی نظم اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری به دست آرند! سرمایه‌داری را دچار آرایش و پیرایش نمایند و "انسانی" سازند!!! معنای بند، بند این حرفها آنست که کارگران یک کار و فقط یک کار را مطلقا انجام ندهند، اینکه فکر مبارزه ضد سرمایه‌داری را از سر به در کنند، دموکراسی ساز و برگ سرمایه برای دفن هر جنب و جوش ضد سرمایه‌داری بردگان مزدی است، این کاری است که سرمایه و دموکراسی در اروپای شمالی، غربی، امریکای شمالی و برخی مناطق دیگر دنیا با توده‌های کارگر کرده است. کارگران این جوامع، قانون، نظم و حقوق پاسدار وجود بردگی مزدی را ضامن امنیت، آسایش، رفاه، آزادی خود به حساب آورده‌اند! سرنوشت معیشت، رفاه، حقوق اجتماعی، آزادی، انتخاب و اختیار خود را به دست سرمایه سپرده‌اند. این کار آن شده است که سرمایه سهمگین‌ترین طوفان‌ها را علیه حداقل معیشت، بهداشت، درمان، آموزش و تسهیلات اجتماعی آنها راه می‌اندازد و آنان زبون و بی‌اراده و مستأصل بساط دخیل‌بندی به یک حزب را جمع و در مقابل حزب دیگر پهن می‌کنند!! از بیعت سوسیال دموکراسی به طواف فاشیسم می‌روند و از زیارت لیبرالیسم به بارگاه محافظه‌کاران می‌شتابند، همه کار می‌کنند فقط

قدرت طبقاتی خود را علیه سرمایه وارد میدان نمی‌سازند.

وقتی از سرمایه‌داری صحبت می‌کنیم جنگ همیشه جاری میان دو طبقه اساسی جامعه و آثار و عوارض آن بر کل رابطه میان این طبقات را نیز باید در نظر آورد. عقب‌نشینی‌های طبقه سرمایه‌دار در مقابل قدرت مبارزه طبقه کارگر را نباید به حساب مدنیت‌مداری، حقوق‌سالاری و راه و رسم حکومتگری این طبقه گذاشت. اگر در اعمال حاکمیت سرمایه احياناً رد پائی از حقوق انسانی مشاهده شد نباید فریب خورد، به طور قطع این رد پا از آن سرمایه و سرمایه‌داران نیست، برعکس، جنبش کارگری است که در تاخت و تازهای خود علیه سرمایه این نشانه‌ها را از خود به یادگار نهاده است. واقعیت این است که آنچه هنوز هم زیر نام دموکراسی غربی سر زبان‌هاست، آنچه زمانی زیر نام رفاه اجتماعی چشم‌ها را به خود می‌دوخت، سوای محدوده محقر عقب‌نشینی اضطرابی سرمایه‌داران در دوره‌ای از تاریخ در مقابل کارزارهای افتخارآمیز و حماسی کارگران اروپا، در مقابل کمون پاریس، انترناسیونال اول و مبارزات کارگران روس در سالهای پیش از شکست فاجعه‌آمیز انقلاب اکتبر چیز دیگری نیست.

در اینجا اما یک سؤال مهم پیش می‌آید. اگر دموکراسی نوعی نظم سیاسی، مدنی، حقوقی سرمایه‌داری است، چرا اکثریت دولت‌های دنیای سرمایه‌داری عموماً به هارترین و درنده‌ترین شکل دیکتاتوری متوسل می‌شوند؟ در پاسخ به اختصار

باید گفت: جوامعی که زیر سیطره دیکتاتوری عریان قرار دارند، مستقل از مذهبی، لائیک، نظامی، فاشیستی، بوروکراتیک، جمهوری یا سلطنتی بودن دولتهایشان، وجوه مشترکی دارند. مکان آنها در تقسیم کار جهانی سرمایه با حوزه نیروی کار ماوراء ارزان بودن، گستردگی بخش تولید و وسایل مصرف در مقابل بخش تولید و وسایل تولید، متوسط نازلتر ترکیب ارگانیک سرمایه اجتماعی، قدرت رقابت پائین‌تر در بازار جهانی و مانند اینها مشخص می‌گردد. این شاخص‌ها باعث می‌گردند تا بخشهایی از سرمایه اجتماعی این ممالک، سهمی از اضافه ارزش حاصل استثمار توده‌های کارگر حوزه پیش‌ریز خود را در گستره کارکرد نرخ سودهای عمومی جهانی به نفع بخش‌های دیگر سرمایه و به ویژه تراست‌های عظیم بین‌المللی از دست دهند. طبقه سرمایه‌دار و دولت در این ممالک برای دستیابی به سود دلخواه و جبران آنچه از دست داده است، بهای نیروی کار را تا پائین‌ترین سطح ممکن تنزل می‌دهد. کلیه امکانات رفاهی و خدماتی کارگران را به شدت محدود می‌کند. برای تحمیل این شرایط حق هرگونه اعتراض را از آنان سلب می‌نماید. از هر نوع تشکل کارگران جلوگیری به عمل می‌آورد. سخن از آزادی‌های سیاسی، حق بیان، رفاه یا همان دموکراسی وهم‌آلود را جرم اعلام می‌دارد. "حقوق بشر"، "اراده مردم" و نوع این‌ها را با همه کاریکاتوری، دروغین و ترفند بودنشان به دور می‌ریزد. سرمایه‌داری در

گردد، یا برعکس باید بر رفع و محو این رابطه پایه گذاری شود؟ سرمایه‌داری شکلی از تولید و کار و زندگی است که در آن میلیاردها کارگر دنیا شب و روز کار می‌کنند، بدون این که در تعیین سرنوشت محصول کار خود هیچ دخالتی داشته باشند. از تصمیم‌گیری درباره اینکه چه چیزی تولید شود یا نشود، در باره شرایط کار، مقدار دستمزد، ساعات و شدت کار، بازنشستگی و نوع اینها ساقط هستند. از منظر دموکراسی، همه اینها حق مسلم و بدون چون و چرای طبقه سرمایه‌دار است! دموکراسی، هیچ‌کاره بودن انبوه عظیم انسانهای کارگر در تعیین سرنوشت زندگی خود را عین اختیار! و اراده آزاد! می‌داند. دموکراسی یعنی این که طبقه سرمایه‌دار حق دارد تا اداره امور جامعه را بر محور خرید و فروش نیروی کار و مقتضیات رشد و گسترش سرمایه اداره کند و طبقه کارگر چاره‌ای ندارد جز آنکه نیروی کارش را بر اساس مصالح و منویات سرمایه و منطبق با سودآوری هر چه کهکشانی‌تر سرمایه‌ها بفروشد، مطیع اراده سرمایه باشد، کل گرسنگی‌ها، فقر و فلاکت‌ها، جنگ‌افروزی‌ها و جنایات مولود سرمایه‌داری را نه فقط تحمل کند که با کار خویش مستمراً بازتولید نماید و بقا بخشد.

در این میان با اینکه طبقه کارگر خواه در گذشته و خواه امروز مطالبات، حقوق، اصلاحات یا تغییر و تحولاتی در نظم سیاسی و مدنی را با نام دموکراسی و زیر پرچم دموکراسی خواهی مطرح ساخته است، اما واقعیت اینست که "جمهوری

این جوامع، به هنگام پیدایش و رشد و گسترش خود و به اقتضای آنچه برشمردیم از شکل‌گیری بسیاری از ساختارهای مدنی شدیداً جلوگیری به عمل می‌آورد. هیچ سازمان به اصطلاح "دموکراتیک"، هیچ نهاد مدنی، حزب یا حتی اتحادیه کارگری منحل در نظم سرمایه هم امکان فعالیت نمی‌یابد. در درون این جوامع، نهادهای کهنه قرون وسطائی با سخت‌جانی تمام به بقای خود ادامه می‌دهند. اینجاست که پاره‌ای محافل، به ویژه عشاق سینه چاک "سرمایه-داری مستقل و ملی" فریاد "وادموکراسی"!! سر می‌دهند و از "رشد ناکافی سرمایه‌داری" می‌گویند!! این نگرش عمیقاً ارتجاعی و گمراه‌کننده است. آن چه در این جوامع مانع دستیابی کارگران و فرودستان به حداقل آزادی‌های سیاسی و حقوق اجتماعی شده است صرفاً خود سرمایه و نه توسعه‌نیافتگی سرمایه‌داری است. یک نگاه ساده به کشورهای که امروز در زمره صنعتی‌ترین ممالک به حساب می‌آیند اما هر نوع آزادی بیان و تشکل و اعتصاب و تظاهرات در آنجا ممنوع است، ما را از افشاء این وارونه‌بافی‌ها معاف می‌سازد.

مدافعان گفتمان‌های پر شور و آکنده از جنجال جامعه مدنی و مدرنیته، اگر آگاهانه سخن می‌گویند سخت عوامفریبند. در غیر این صورت آدم‌های متوهمی هستند که کل انتظارات خود را به باد گره می‌زنند. سؤال اساسی پیش‌پای بشریت عصر حاضر فقط یک چیز است. این که شرایط کار و زندگی انسانها باید بر وجود رابطه کار مزدی بنا

سرمایه، جنبش شورائی سراسری برپا می‌کند که مطالبات معیشتی، رفاهی، مبارزه برای آزادی‌های سیاسی و حقوق انسانی، کارزار ضد آلودگی‌های زیست‌محیطی و تبعیضات جنسیتی یا هر اعتراض دیگر را با جنگ علیه کار مزدی همراه و هم‌جهت می‌سازد. به جای "دخالتموکراتیک مردم در سرنوشت اجتماعی‌شان"، خواهان حضور مستقیم و نافذ کلیه آحاد شهروندان در تعریف کار، برنامه ریزی تولید و کار اجتماعی، سیاست گذاری‌ها، چگونگی توزیع محصول اجتماعی کار و همه امور جامعه است. "دولتموکراتیک" و هر نوع دولت را انگل و بالای سر می‌داند و خواهان اداره شورایی جامعه می‌باشد.

دموکراتیک" و این حرف که جنبش کارگری باید برای دموکراسی مبارزه کند!! فقط مانع تراشی برای فرار از مبارزه علیه سرمایه است. دموکراسی راه حل گرایش ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر برای نظم مدنی و سیاسی جامعه نیست. جنبش کارگری در هر موقعیت، هر سطح از آمادگی و هر لحظه از پروسه مبارزه طبقاتی خود ضد سرمایه‌داری و دورنمای پیکارش استقرار جامعه بدون کار مزدی است. به جای اتحادیه، سندیکا و سازمان‌های مدنی و حقوقی و هر نوع رهبر تراشی، شوراهای سرمایه‌ستیز محل کار و زیست، مظهر دخالتگری آزاد و مؤثر کارگران بدون هیچگونه رهبر بالای سر را پیش می‌کشد. به جای آویختن به قانون، مجلس، وزارتخانه و نهادهای قدرت

سرمایه‌داری شکلی از تولید و کار و زندگی است که در آن میلیاردها کارگر دنیا شب و روز کار می‌کنند، بدون این که در تعیین سرنوشت محصول کار خود هیچ دخالتی داشته باشند. از تصمیم‌گیری درباره اینکه چه چیزی تولید شود یا نشود، در باره شرایط کار، مقدار دستمزد، ساعات و شدت کار، بازنشستگی و نوع اینها ساقط هستند.